

## شکست مفتضحانه رژیم از مقاومت و مبارزه گسترش یابنده زنان

گشت ارشاد دوباره به کار افتاد تا زنان دیگری را از سلاله قهرمانان کشورمان قربانی کند. خیابان‌های شهرهای ایران در ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۳ دوباره جولانگاه کفتاران رژیم جمهوری اسلامی گشت، دوباره فشار و ارباب با شدت بیشتری بر زنان و نیز مردان این مرز و بوم فرود آمد. به هزاران زن شجاعی که از دندان‌های این کفتاران هراسی به دل راه نمی‌دهند، اخطار داده و صدها تن را نیز به بند کشیده‌اند، ولی خیابان‌ها مملو از زنان بی حجاب اسلامی است که ببرهای کاغذی را به مصاف می‌طلبند.

با وجود این که مقاومت مهسا امینی و جان باختن او در جنبش زنان نیرو و انرژی بسیار دمید ولی مقاومت زنان ایران نه از زمان حاکمیت جمهوری اسلامی، بلکه از ده‌ها سال پیش از آن شروع گردید. از زمان فاشیسم پهلوی زنان با ایستادگی تا پای جان قهرمانان سترگی به مانند مرضیه احمدی اسکویی، وفا جاسمی و مهوش طوافچیان که از دل مبارزات توده‌های کار و زحمت و جنبش کمونیستی سر برآورده بودند، گام‌های بلندی در سمت آگاهی طبقاتی برداشتند و در عمل نقش حیاتی پیوند با جنبش کارگری را بهتر از سابق درک نمودند. آنها نه تنها مقاومت قهرمانانه را به زنان میهن ما آموختند بلکه به لحاظ تئوریک - سیاسی نیز جنبش زنان را گام‌های اساسی رشد داده و به سمت چپ هدایت کردند. جنبش زنان علیه قوانین قرون وسطائی رژیم اسلامی از شهریور ۱۴۰۱، اوج نوینی یافت و همراه جنبش کارگری، پس از لمحهای درخشش خیره کننده، گامی به عقب برداشت ولی با سرعت دوباره برخاست و اعتراض‌اش را با قدرت بیشتری از سر گرفت.

به موازات گسترش آشکار جنبش زنان علیه همه نابرابری‌های اجتماعی، منجمله علیه پوشش اجباری، رژیم نیز پر توحش و خونین علیه این جنبش نیروهای سرکوبگرش را سازمان داد. همه این بگیر و ببندها علیه زنان و راه اندازی دوباره گشت ارشاد، حتی از نظر قوانین پوشیده خود رژیم، بی اعتبار است. هنوز قوانین آن در مجلس اسلامی تصویب نگشته است. به بیان دیگر کار مأموران دولت و گشت ارشاد حتی نسبت به قوانین خود جمهوری اسلامی غیر قانونی است. چرا رعایت حجاب اسلامی برای رژیم ایران تا این اندازه مهم و حیاتی است که نسبت به آن هیچ نرمشی نمی‌تواند داشته باشد؟

۱- با ظهور مارکسیسم، تمام جریانات ایدئولوژیک - سیاسی بورژوازی و خرده بورژوازی از اعتبار ساقط شد، رسالت خود را از دست داد و به پدیده‌ای بازدارنده تبدیل گردید. به ویژه زمانی که این جریان عقب مانده و پوشیده، لباس مندرس مذهب بر تن می‌کند و در پله تقدس می‌ایستد، هر حرکت مثبت، هر حرکت پیش رونده، هر کشف علمی، هر تظاهر آزادمندی و تمدن، این ایدئولوژی را خطر پرتاب شدن به دره عمیق مرگ و نیستی تهیدید می‌کند.

بورژوازی غیر از انقلابی کردن ابزار تولید که در خدمت سود آوری بیشتر آن است، هیچ انقلاب دیگری را تحمیل نمی‌کند. (همین بورژوازی از انقلابی‌تر شدن سریع ابزار تولید نیز وحشت دارد. به همین جهت است که برخی اختراعات را می‌خرد و در کشوی مؤسسه و یا کارخانه‌اش آن را دفن می‌کند) بورژوازی مذهبی ایران به دلیل شرایط خاص اقتصادی - سیاسی جامعه به علت این که اساساً بر درآمدهای غیر مولد، تکیه دارد، نه لزومی بر انقلابی کردن ابزار تولید می‌بیند و نه ضرورتی در رسیدگی به معیشت تولید کننده .

لذا با اخراج زنان از پروسه تولید و مجبور کردنشان به کار خانگی، هم از معضل کارآفرینی قدری راحت می‌شود و هم آن‌ها را به کار بی مزد در خانه وامی‌دارد.

زنان کشور ما این ایست و حشتناک تاریخ را از همان آغاز قدرت‌گیری اسلامی نپذیرفتند، در ابتدا خود جوش و میلیونی و پس از سرکوب آن، جنبش زنان در ابعاد سراسری ولی در بدنه جنبش‌های اجتماعی مبارزه آشتی ناپذیر خود را به پیش برده و می‌برند و بدین ترتیب ناقوس مرگ رژیم را تا به امروز به صدا درآورده‌اند.

۲- آن جناحی از بورژوازی حاکم که قدرت اصلی را در دست دارد، نماینده پلیدترین و خونخوارترین قشر این طبقه است؛ نماینده بورژوازی تجاری مدرن ایران.

این بورژوازی برای کسب سودهای میلیاردری می‌بایست صنایع داخلی را ورشکست کند تا بتواند کالاهای مورد نیاز داخلی را وارد نماید. لذا تعدادی از کارخانجات صنعتی از بین رفته و باقیمانده‌ها با ظرفیت‌های بسیار پائین کار می‌کنند و دائماً در خطر ورشکستگی هستند. از این جهت زنان به عنوان حاملین نیروی کار، با وجود ارزان بودن آن، باید از کارخانجات و جامعه رانده شوند. این سمت و سوی اقتصادی - سیاسی باعث اتخاذ سیاست‌های شدیداً محدود کننده می‌گردد که همیشه به سرکوب‌های خونین علیه زنان می‌انجامد.

۳- ایدئولوژی اسلامی، زن را نیمه انسان می‌داند (مرد انسان کامل است و زن نیمه انسان) لذا هر حرکت زنان در اثبات انسان کامل بودن و مبارزه برای گرفتن حق کامل خود، کل سیستم اسلامی در مورد انسان را زیر سؤال می‌کشد، پوچ بودن آن را می‌نمایاند و توده‌های ناآگاه را آگاه کرده و از حیطة نفوذ بورژوازی خارج می‌سازد.

۴- سنت به جا مانده و فسیل شده پیامبر اسلام. این مرد ۱۷ زن را همچون اسیر در خانه نگهداشت و به بسیاری از زنان اسیر در جنگ‌ها، تجاوز کرد. از نظر او، زن باید حرف شنو و گوش به فرمان باشد. لذا زنی که نافرمان و خود رأی باشد باید مجازات شود. یک رژیم می‌خواهد اسلام ناب محمدی را دوباره در جامعه احیا کند، می‌بایست زنان نافرمان و خود رأی را مجازات و گوشمالی دهد. وگرنه آن رژیم دیگر رژیم اسلامی ناب محمدی نیست.

این یکی از عواملی است که رژیم ایران فقط می‌تواند با آن عقب مانده‌ترین، کودن‌ترین و سیاه اندیش‌ترین انسان‌ها را به گرد خود بسیج کرده و علیه زنان در جامعه به کار اندازد.

۵- یکی از عواملی که دستان رژیم را در سرکوب زنان و مبارزات آنان باز می‌گذارد، این است که تمام کشورهای سرمایه‌داری چشم خود را به روی جنایات داخلی رژیم به ویژه در مورد زنان می‌بندند. آن‌ها با رژیم ایران در این موارد همبستگی و توافق نا نوشته‌ای دارند.

تهاجم اخیر علیه زنان و برپائی مجدد گشت ارشاد، نه تنها زنان، بلکه همه مردان آزاده و مترقی را به عصیان واداشته است. به کاراندازی مجدد ابزارهای سرکوب زنان، در واقع به کار اندازی مجدد ابزار سرکوب علیه اکثریت مطلق جامعه است. لذا پشتیبانی از مبارزات زنان امری همگانی گشته و مردان و زنان را علیه رژیم زن ستیز و فاشیستی ایران در کنار هم قرار داده است.

این مبارزه به علت حقانیت‌اش و به علت بالا رفتن روز افزون آگاهی زنان از خودشان، نیروهای نهفته در وحدت‌شان و از معضلات و نابسامانی‌های رژیم حاکم، شکست ناپذیر است. اگر امروز عقب نشینی کند، فردا با قدرت بیشتری سر بر می‌آورد و این حرکت موجوار، در هماهنگی با مجموعه مبارزات سرنگون طلبانه علیه بورژوازی به پیروزی خواهد انجامید.

نظم کمونیستی

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳